

## • تكامل تاريخ و فلسفه اجتماعى آن •

- ۱ -

((دوره تجزيه))

نظر دوست فرزانه ما است كه :

قرن سوم هجرى يعنى قرن طبرى كه از جنبه تاريخ نگارى اسلام و عرب دوره ترقى نهائى است . در عين حال دوره آغاز جدا شدن دولت اسلامى ، از بين رفتن وحدت سياسى كشورهاي مسلمان نشين بود ، در اين قرن است كه در گوشه و كنار كشور حكومت هاي محلى تشكيل ميابد ، سلسله هاي سلطنتى از نژاد هاي رنگارنگ ترك ، تاجيك ، عرب ، بربر ، ديپلمروى كارمى آيند ، سرداران لشكر ، واليان ، حاكمان شهرستانها رئيسان قبيله و عشاير از ضعف حكومت مركزى و فساد و بى نظمى دستگاه خلافت استفاده نمودند ، درفش گردن كشى و مخالفت راى افراتند !!

خليفه پس از اندك مقاومت و جنگ و ستيز ناچار ميشود ادعاى امير متمرده را قبول نمايد !! حتى لقب و خلعت به ياغى سر كش بفرستد تنها ياد نام خود در خطابه دلخوش بماند !! امير تازه بدوران رسيده هم پس از مدتى حكومت و استيلا هنگام مردن فرمان روائى را بدون جلب رضايت خليفه به جانشين خود تسليم نموده و ميكذرد !! با اين ترتيب يك سلسله تشكيل مييافت والى مصر احمد بن طولون بعد از آنكه پايه هاي حكومت خود را در مصر استوار كرد از اطاعت او امر خليفه سرپيچيده به شام و متصرفات حكومت مركزى

بنای دست اندازی را گذاشت!! سرداران خلیفه را شکست داد ، صلح و قبول کردن کار انجام شده مجبور نمود!!

جوآنمرد سلحشور دیگری هم در سیستان و مشرق ایران بنام یعقوب لیث حکومت را بدست گرفت ، سپاه انبوهی بدور خود جمع کرد ، برای گرفتن خلیفه و برانداختن اصل خلافت بسوی بغداد حمله ور شد ، مرك دلاور سیستانی که در هنگامه زدوخوردها اتفاق افتاد برای خلیفه فوز بزرگی شد ، دستگاہ خلافت را موقتاً از محکومیت یاسقوط نجات داد هنگام مرك دویاغی «از نظر خلافت عربی» با وجود تکفیر و لعن کردن خلیفه سلطنت و حکومت خود را به بازماندگان خود واگذار نمودند!! سلسله های سلطنتی مصر و ایران آغاز گردید ، بزودی در تمام قطعه های کشور های اسلامی سلسله های چندی پیدا شد ، قلمرو زیر نفوذ خود را از قدرت کارکنان خلیفه بیرون نمودند!! این سلسله های مختلف که بر هیچ گونه اساس اخلاقی ، مصالح عمومی ، منافع جامعه پایه گزاری نشده بود ، بهمان آسانی که تشکیل میشد بهمان آسانی و سادگی هم از بین میرفت!! جای خود را به سلسله نو و تازه نفسی میداد؟! این پراکنندگی ها و آشفتگی های سیاسی که برپیکر حکومت اسلامی وارد شد ناچار موجب ناتوانی در برابر بیگانگان میشد از این جهت بیگانه در کشورهای اسلامی طمع ورزید!! از حدود و مرز گذشته کشور اسلامی را مورد تاخت و تاز قرار داد!! نخست دولت روم شرقی «بیزانس» بخاک اسلام حمله کرد سوریه و شام و بیشتر از همه مورد هجوم سپاهیان رومی واقع گردید! در نتیجه گروه بسیاری از مسلمانان کشته شدند ، عده بیشتری باسیری افتادند ، این مصیبت ها که در میانه های قرن چهارهجری اتفاق افتاد مسلمانان را به بیجان آورد ، از شهرها و دیه های مختلف مردم بعزم جهاد بسوی مرزها حرکت کردند!! چون فاقد رهبر و سرپرست بودند بهیچ گونه دیسپلین آشنائی نداشتند! کاری از پیش نبردند که سهل است!! در بغداد دو جا های دیگر اسباب بی نظمی و اختلال امور شدند ، هنوز بمرز نرسیده بودند که جمعیت های مجاهد پراکنده و پریشان شدند!!

در قرن پنجم و ششم خطر بزرگتری متوجه جهان اسلام گردید!! این مرتبه

فرنگیان کاتولیک برای جهاد با مسلمانان و تصرف بیت المقدس به کشورهای اسلامی هجوم آوردند!!

تلفات و خرابی های این جنگ ها پیش از جنگ های گذشته بود!! مسلمانان پس از سال ها جنگ و کوشش توانستند بیت المقدس را پس بگیرند، فرنگیان صلیبی یا بقول خودشان «افرنج» را از کشورهای اسلامی بیرون راندند!!

قهرمان جنگ های صلیبی، صلاح الدین ایوبی از نژاد شریف کرد را در این کارزار جهانی نباید فراموش نمود، کتابهای تاریخی وارزنده درباره این سردار بزرگ اسلام تألیف و نوشته شد، هنوز این فتنه کاملاً از بین نرفته بود، بلای بزرگتری متوجه کشور اسلامی شد!! این درد بی درمان بر تمام بلاها و مصیبت های گذشته جان کدازتر و خانمان سوزتر بود!! قبیله های مختلف مغول، برهبری چنگیز خان بسوی کشورهای اسلامی سرازیر شدند!! هیچ نیروئی در برابر این سیل مدهش که از صحراهای مغولستان برخاسته بود، تاب برابری نداشت! هرچه را در جلو خود میدید از بیخ و بن میکند!! بغداد و خلیفه را این سیل بنیان کن فرو گرفت! بغداد خراب و خلافت پانصدساله عباسیان از بین رفت!! تمدن و فرهنگ اسلامی چنان ضربتی خورد که بعد از هفتصد سال هنوز هم نتوانسته است قد خود را راست نماید!! در هنگام این حادثه ها سلسله های کوچک در گوشه و کنار پیدا شدند!! سپس منقرض گردیدند!

مورخان اسلامی که هر يك در زمان خود شاهد بخشی از این تغییر و انقلاب ها بودند با اسلوب و روشی که طبری استاد مسلم تاریخ بنا کرده بود، شرح این حادثه های مهم را در تاریخ های خود ثبت و ضبط مینمودند، بدون اینکه راجع به تجزیه و تحلیل این تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی، علمی ابراز عقیده نمایند!! از این گروه مورخان نام چند نفر مورخ را باید یاد آورد، سعودی «و متوفی به سال سیصد و چهل و شش» مؤلف دو کتاب مروج الذهب و اخبار الزمان، ابن مسکویه مؤلف تجارب الامم که ذیلی است بتاریخ طبری «در سال چهارصد و بیست در گذشت» ابن الاثیر مؤلف کتاب «کامل التواریخ» که هم طراز تاریخ طبری «در سال ششصد و سی و هفت» ابوالفداء

مؤلف کتاب «المختصر من تاریخ البشر» در سال هفتصدوسی و دو در گذشت» این مورخ که خود از شاهزادگان ایوبی بود، در جنک‌هایی که بامغولان اتفاق می‌افتاد شرکت مینمود، شرح آن جنک‌ها را در تاریخ آورد، همین قضیه به اهمیت تاریخ‌وی خیلی افزود، از این مورخان که می‌گذریم میرسیم باین خلدون مؤلف تاریخ بسیار مشهور بنام کتاب العبرودیوان المبتداء والخبر»

ابن خلدون که بحق شایسته لقب فیلسوف مورخان شد از جنبه‌ای که در جهان تاریخ نگاری روشی را ابتکار نمود که تا آن زمان، هیچک از مورخان بزرگ اسلام و عرب بآن راه و روش وسبک تاریخ نگاری مطلب‌های تاریخی را مورد بحث و انتقاد قرار نداده بودند!! شایسته بود که جداگانه از شخصیت‌وی و ارزش کتابی که تألیف نمود سخن بمیان آید، از این جهت نویسنده ناچیز این سطرها، در سلسله مقالات پی‌درپی که «سال اول مجله وحید» بنام «فلسفه تاریخ و اجتماع» از حکیم بزرگ اجتماعی اسلام ابن خلدون بحث نمود. در میان ده‌ها کتاب تاریخ فارسی دو کتاب را در این عصر نباید فراموش نمود یکی کتاب تاریخ جهان‌نگشای تألیف علاءالدین عظاملك جوینی «۶۵۸ هجری» است «جلد اول در تاریخ مغول، جلد دوم در روزگار خوارزمشاهیان، جلد سوم شامل سلطنت منکوقآن و بخشی از تاریخ اسمعیلیه الموت» دیگر کتاب جامع‌التواریخ تألیف رشیدالدین فضل‌اله همدانی وزیر، از مشهورترین کتابهای تاریخ بزبان فارسی است.

کتاب تاریخ جهان‌نگشای نخستین بار به تصحیح و حواشی و مقدمه شادروان محمد عبدالوهاب قزوینی در سه جلد در اروپا چاپ شد، سپس متن کتاب تاریخ جهان‌نگشای بکوشش آقا سید جلال‌الدین نهرانی بقطع کتابهای حبیبی بسیار نفیس در سه جلد در تهران بیچاپ رسید.

چند جلد از دوره کتاب جامع‌التواریخ رشیدی در اروپا و بعد در ایران چاپ شد، در ۱۹۵۷ میلادی جزء دوم از جلد دوم تاریخ رشیدی در تاریخ سلطان محمود سبکتکین و اسلاف و اخلاف او، آنچه بدان متعلق است از تواریخ دیالمه و آل بویه و آل سامان بکوشش احمد آتش از انتشارات انجمن تاریخ ترك در انقره چاپ گردید. **تمام**